

انقضای ریاست صداوسیما



کامبیزنوروزی

حقوق‌دان

ساختار حقوقی و ماهیت حقوقی سازمان صداوسیما مشخص نیست. معلوم نیست شخصیت حقوقی سازمان صداوسیما چیست؟ آیا این سازمان یک سازمان دولتی است؟ آیا یک شرکت دولتی است؟ آیا یک مؤسسهٔ دولتی است؟ آیا از نهادهایی است که تماماً تحت اختیارات رهبری است؟ تا چه اندازه باید از قوانین عمومی تبعیت کند؟ و…

قوانین موجود نمی‌توانند به این پرسش‌ها پاسخ بدهند. این ابهامات حقوقی و خلأ قانونی که بارها مورد توجه مجلس، مرکز پژوهش‌های مجلس، کارشناسان و دستگاه‌های مختلف قرار گرفته‌اند، شرایطی ناهم‌هنگ و غیرمنضبط برای این سازمان ایجاد کرده است که عملاً می‌تواند در امور استخدامی، مالی، معاملاتی، قراردادها، برنامه‌ریزی، تولید محتوا و سایر امور، مقید به مقررات قانونی کشور نباشد. همچنین مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری ناشی از برنامه‌های این سازمان معلوم نیست. مثلاً اگر در یک برنامه به کسی توهین شود، چه کسی از سازمان باید مورد تعقیب قرار گیرد یا اگر بر اثر اطلاعات نادرست برنامه‌ای از تلویزیون، شخص حقیقی یا حقوقی زیان مادی ببیند، چگونه باید خسارت جبران شود؟ یکی از ابهامات مهم حقوقی در سازمان صداوسیما، مدت ریاست این سازمان است. قانون سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران مصوب ۱۳۵۰ مدت مدیرعاملی را دو سال تعیین کرده بود. این قانون با مصوبات بعد از انقلاب منسوخ است. قانون اداره سازمان صداوسیما شرایط اساسنامه مصوب ۱۳۵۰ را تغییر داد و چیزی درباره مدت اعتبار ریاست سازمان مقرر نکرد.

اساسنامه سازمان صداوسیما مصوب ۱۳۶۲، در بند ۵ از ماده ۱۶ مدت مدیرعاملی سازمان را دو سال تعیین کرده است. در این اساسنامه، سازمان تحت نظر شورای سرپرستی اداره می‌شود. با اصلاح اصل ۱۷۵ قانون اساسی در ۱۳۶۸ که نصب و عزل ریاست سازمان را در اختیار مقام رهبری قرار داد، بند ۵ ماده ۱۶ نیز منسوخ می‌شود. به این ترتیب این سؤال پیش می‌آید که دوره ریاست بر سازمان چه مدت است؟ قوانین موجود پاسخی به این پرسش نمی‌دهند، اما در رویه‌ای که مقام رهبری از سال ۱۳۷۲ پیش گرفتند، عملاً دوره ریاست سازمان پنج سال تعیین شد. ایشان در زمان صدور حکم تمام کسانی که به ریاست سازمان منصوب کردند، تصریح کردند: «به مدت پنج سال».

آخرین حکم ریاست سازمان مربوط به پیمان جلیلی است که در تاریخ هفتم مهرماه ۱۴۰۰ ابلاغ شد. در این حکم نیز تصریح شد که ایشان به مدت پنج سال این ریاست را بر عهده دارد.

در میان مجموعه ابهامات و خلاهای قانونی سازمان صداوسیما، اینک این پرسش مطرح است که چنانچه بعد از پایان دوره پنج‌ساله، حکم جدیدی برای ریاست سازمان ابلاغ نشود، آیا ریاست فرد قبلی به خودی خود ادامه می‌یابد؟ برای پاسخ به این پرسش به ناگزیر باید بر اساس اصول و قواعد عمومی متوسل تفسیر حقوقی شد.

قانون تجارت مشخصاً تعیین کرده که مسئولیت مدیران شرکت‌ها تا تعیین مدیران جدید ادامه پیدا می‌کند. اما سازمان صداوسیما یک شرکت خصوصی یا دولتی نیست و هیچ‌یک از ارکان و شرایط شرکتی در آن وجود ندارد. این سازمان، یک دستگاه انحصاری وابسته به سازمان حکومتی است. به همین دلیل می‌بایست موضوع دوره ریاستی آن را با مقامات عمومی دیگر مقایسه کرد. مثلاً دوره نمایندگی مجلس چهار سال است؛ پس از پایان این مدت، نماینده به خودی خود از سمت خود عزل می‌شود. به همین دلیل است که اصل شصت‌وسوم قانون اساسی مقرر کرده انتخابات مجلس باید پیش از پایان دوره قبل برگزار شود تا کشور هیچ‌گاه بدون مجلس نماند. همین قاعده در مورد رئیس‌جمهور نیز جاری است (اصل صدونوزدهم قانون اساسی). به‌طور کلی، وقتی تصدی یک سمت مقید به محدوده زمانی است، پس از پایان مدت، آن فرد از سمت خود منزحل شده و دیگر نمی‌تواند در آن سمت باقی بماند و کار کند؛ مگر اینکه قانون شرایط دیگری را تعیین کرده باشد، مانند حکم قانون تجارت درباره مدیران شرکت‌ها.

در ادامه در صفحه ۵

چهارشنبه ۲۲ مهر ۱۴۰۵
۳ جمادی‌الاول ۱۴۴۸
۱۴ اکتبر ۲۰۲۶
سال بیست‌وسوم
شماره ۵۵۰۰
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید: اتهام خیانت علیه برنده نوبل صلح • ساخت‌وساز با فرض آب بی‌نهایت • تهران ۳۱ پله سقوط کرد؛ حکمرانی ۱۰ از ۱۰۰ • صورت‌حساب ۱۱۶ روز قطع اینترنت/ حسین رمضان‌زاده

روایت «شرق» از چشم‌انتظاری نتانیاهو برای تعیین تکلیف سیاست واشینگتن در قبال تهران

نتانیاهو و هندسه بحران

گزارش تیتربیک را در صفحه ۲ بخوانید



این گزارش را در صفحه ۷ بخوانید.عکس:حسن وحشی/ایرنا

شهرداری بایلوٲ مسیر ویژه موتور سیکلٲ را در حالی آغاز می‌کند که سازوکار نظارت و معیار سنجش ایمنی آن هنوز روشن نیست

خط ویژه برای موتورهای بی‌مهار

یادداشت

اشتغال و رأی کارگران

تأملی بر یک معمای سیاسی



افشین حبیب‌زاده

سرمایه نیز از آن حمایت می‌کنند؟ آیا منطق‌تی نیست که کارگر به حزبی رأی دهد که وعده می‌دهد از ثروتمندان مالیات بیشتری بگیرد و منابع بیشتری به طبقات پایین منتقل کند؟ شاید پاسخ این باشد که ما تصور بیش از حد ساده‌ای از «منفعت کارگر» داریم؛ چراکه کارگر فقط دریافت‌کننده درآمد نیست، دو حزب فرضی را در نظر بگیرید. حزب اول به کارگران می‌گوید: «تا برابری زیاد شده است. ما از ثروتمندان مالیات بیشتری می‌گیریم و از طریق یارانه، خدمات عمومی و حمایت‌های اجتماعی، سهم بیشتری به شما می‌رسانیم». حزب دوم پیام دیگری دارد: «ما سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهیم، موانع کسب‌وکار را کاهش می‌دهیم، بنگاه‌های بیشتری شکل می‌گیرند و شغل‌های بیشتری ایجاد می‌شود». کدام پیام برای کارگر جذاب‌تر است؟ پاسخ لزوماً حزب اول نیست. دلیل آن را می‌توان در ساده‌ترین سازوکار بازار کار پیدا کرد. وقتی سرمایه‌گذاری و ایجاد بنگاه افزایش پیدا می‌کند،

یادداشت

عدالت قضائی و حقوق بشر



صالح‌نقره‌کار

وکیل دادگستری

از حیات منظر، نحوه برخورد با وکلای نیز مسئله‌ای فراتر از یک موضوع صنفی است. استقلال و امنیت حرفه‌ای وکیل، مستقیماً با حق دفاع متهم ارتباط دارد. اگر وکیل به دلیل محدودیت یا نگرانی از پیامدهای حرفه‌ای نتواند وظیفه دفاعی خود را آزادانه انجام دهد، در نهایت این موکل است که هزینه آن را می‌پردازد و اعتماد عمومی به عدالت نیز آسیب می‌بیند.

موضوع مهم دیگر، دسترسی به دادنامه است. رأی دادگاه باید در اختیار متهم و وکیل قرار گیرد تا امکان بررسی استدلال دادگاه و استفاده مؤثر از حق اعتراض وجود داشته باشد. در شرایط جنگی ممکن است ضرورت رسیدگی سریع به برخی پرونده‌ها مطرح شود؛ اما میان «رسیدگی سریع» و «رسیدگی شتاب‌زده» تفاوت اساسی وجود دارد. سرعت در رسیدگی نباید به قیمت حذف فرصت



نگاه همسایه به یک فرصت راهبردی

تله پیروزی‌های زودگذر

عبدالله گل در «پراکت سیندیکیت»

چه پیامی برای تهران دارد؟

۶

برگزیده‌ها

گزارش میدانی «شرق» از خراسان شمالی؛ آستانی که به شبکه راه‌آهن وصل نیست و برای جذب گردشگر نیاز به دیده‌شدن دارد

جاذبه‌های بسیار راه‌های دشوار

۵

جرا آمریکا پیش از جنایت درهای دادگاه را می‌بندد؟

توطئه مصونیت

۲

پیشروی حوثی‌ها در یمن و حملات مرکب‌ار به فرودگاه ریاض، جنگ در منطقه را گسترش داده است

آژیرهای خاموش ریاض وزنگ خطر در تعز

۴

دورهمی استادان رسانه ایران برگزار شد

اخلاق حرفه‌ای

ضامن بقای مطبوعات

۸

گزارش جدید NBER نشان می‌دهد تکانه‌های نفتی دیگر اثر منفی بر اقتصاد آمریکا ندارد

خنثی‌سازی شوک نفت

۳

شورش جوانان فرانسه و سردرگمی دولت مکرون

یادداشتی از مهدی رجبی

۴

یادداشت

حق بر «توقف بیجا»



علی اعطا

مشاور وزیر راه و شهرسازی در امور اجتماعی و حقوق شهروندی

در سخنان اخیر رئیس پلیس اماکن تهران درباره خیابان سنایی، عبارتی هست که می‌توان از آن برای نقد بخش دیگری از همان سخنان آغاز کرد: «معبر عمومی متعلق به مردم است». رئیس پلیس اماکن از حضور جوانانی در خیابان‌های سنایی و ایران‌شهر ابراز تاسف کرده است که از ابتدای خیابان تا انتهای آن می‌روند و بازی‌گردند و وقتی از آنان می‌پرسد برای چه آمده‌اند، به گفته او، خودشان هم نمی‌دانند. او این حضور بدون مقصد را در کنار بساط‌گستری و خدمات‌رسانی کافه‌ها در پیاده‌رو، از عوامل شلوغی و سد معبر دانسته است. اما در همان سخنان، به‌درستی تأکید کرده که واحد صنفی نمی‌تواند پیاده‌رو را امتداد ملک خود بداند و حتی شهرداری نیز صاحب معبر نیست: «معبر متعلق به مردم است؛ حق مردم است و هیچ‌کسی اجازه ندارد مسدود کند». این تأکید بر تعلق معبر به مردم، مبنای مشترک مهمی است. اما اگر معبر متعلق به مردم است، آیا حق آنان به عبور از آن محدود می‌شود؟ طرح مسئله را باید از واژه و مفهوم «معبر» آغاز کرد. معبر، چنان‌که از نامش پیداست، جایی برای عبور است. راه‌روی قطار یا هواپیما معبر است. «توقف بیجا» مخل است، اما خیابان فقط معبر نیست، البته معبر هم هست. می‌توان در پیاده‌رو قدم زد، توقف کرد. کسی را دید، گفت‌وگو کرد یا بی‌آنکه مقصد مشخصی داشت، مدتی را گذراند. فروگاستن خیابان به معبر، نادیده‌گرفتن بخشی از زندگی اجتماعی شهر است. نقل رایجی هست که «توقف بیجا مانع کسب است». چه کسی تعیین می‌کند کدام مکث، «توقف بیجا» است؟ مکتی که

دفاع، محدودکردن دسترسی به پرونده، کاهش نقش وکیل یا نادیده‌گرفتن ادله تمام شود. عدالت سریع مطلوب است، اما عدالت شتاب‌زده می‌تواند زمینه‌ساز خطاهای جریان‌ناپذیر شود. همچنین تشدید مجازات‌ها در شرایط جنگی باید با اصول ضرورت، تناسب و مسئولیت فردی سنجیده شود. وضعیت جنگی نمی‌تواند جایگزین اثبات جرم شود و فضای امنیتی نباید موجب شود نقش واقعی افراد، میزان مشارکت، قصد و انگیزه و سایر شرایط مؤثر در مسئولیت کیفری نادیده گرفته شود. مبارزه با تهدیدهای امنیتی زمانی از اعتبار بیشتری برخوردار است که در چارچوب قانون و با رعایت اصول دادرسی منصفانه انجام شود. مسئله مهم دیگر، خطر عادی‌شدن وضعیت استثنائی است. اگر در شرایط جنگی برخی محدودیت‌ها به‌عنوان ضرورت پذیرفته می‌شوند، باید روشن باشد که این محدودیت‌ها تا چه زمانی و تحت چه نظارتی اعمال می‌شوند. وضعیت اضطراری نباید به وضعیتی دائمی تبدیل شود که در آن حقوق دفاعی شهروندان به تدریج به اموری تشریفاتی بدل شوند. دفاع از دادرسی منصفانه به معنای دفاع از جرم یا نادیده‌گرفتن امنیت کشور نیست؛ برعکس، جامعه‌ای که می‌خواهد امنیت پایدار داشته باشد، به دستگاه قضائی قدرتمندی نیاز دارد که بتواند در برابر تهدیدهای واقعی ایستادگی کند و در عین حال نشان دهد که این مقابله بر اساس قانون، دلیل و دادرسی عادلانه صورت گرفته است.

در نهایت، شاید مهم‌ترین پرسش این باشد که در سخت‌ترین روزها آیا همچنان می‌توان از استقلال قاضی، استقلال وکیل، حق دفاع، اصل برائت، دسترسی به دادنامه، امکان اعتراض و تناسب مجازات سخن گفت یا خیر؟ اگر پاسخ مثبت است، باید این اصول در عمل نیز قابل مشاهده باشند.

ارزش حاکمیت قانون در روزهای آرام چندان دشوار سنجیده نمی‌شود؛ آزمون واقعی آن زمانی است که جامعه نگران است، اتهام‌ها سنگین‌اند، فشار برای برخورد سریع وجود دارد و مجازات‌ها ممکن است غیرقابل بازگشت باشند. جنگ ممکن است ضرورت تصمیم‌گیری سریع را ایجاد کند، اما نباید ضرورت عدالت را از میان برد. امنیت بدون قانون پایدار نیست و مجازات بدون دادرسی منصفانه، عدالت نیست.

در ادامه در صفحه ۵